

دیالکتیک محلی و جهانی؛ دریچه ای به آینده زبان، ادبیات و فرهنگ بومی لرستان

ابراهیم خدایی

کارشناس ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران

09190021648

ebrahimkhodae@gmail.com

چکیده: در روزگار معاصر، فرهنگ های مناطق و جوامع مختلف جهان در دو وضعیت واقعی (فیزیکی) و مجازی (از طریق رسانه ها و...)، در تماس روزافزون با هم قرار گرفته اند، در پاسخ به این پرسش که این تماس و تلاقی چه تاثیری بر فرهنگ ها می گذارد و چه تصویری از آینده فرهنگی انسان می توان متصور شد، دیدگاه های عمده را در سه جبهه کلی دسته بندی کرده اند: کسانی که معتقد به همگن شدن و همگرایی و احیانا یکسان شدن فرهنگ ها هستند، گروهی که گمان می کنند جهانی شدن اتفاقا موجب دور شدن و متفاوت شدن فرهنگ ها و تمدن ها می شود و در نهایت دسته ای هم اعتقاد به تلفیق فرهنگ ها دارند. این تحقیق که بیشتر به گونه ای اسنادی و کتابخانه ای تلاش دارد وضعیت امروز زبان و ادبیات مردم لرستان را، در پرتو نظریه های جهانی شدن فرهنگی تبیین کند، نشان می دهد آینده زبان و ادبیات لر، به عنوان جزئی از سرنوشت فرهنگی ما، طرحی است که گویشوران زبان ها و گویش های بومی آن را نقاشی می کنند اما نه بر کاغذی سفید بلکه بر بافتی که تار و پود آن را دو فرایند ملی شدن (فارسی شدن) و جهانی شدن تشکیل می دهند. پیامد های زبانی "ملی شدن (فارسی شدن)" مستقیم تر است، اما پیامدهای زبانی جهانی شدن در سطح محلی غیر مستقیم است. به عبارت دیگر انگلیسی یا زبان جهانی دیگری حداقل فعلا و در کوتاه مدت، در حال جایگزینی لری نیست. این تحقیق با استفاده از مفهوم جهان/محلی شدن، ادعان دارد که شرایط جدید جهانی می تواند بستر مساعدی برای رشد جریان های محلی نیز باشد، با مروری بر واکنش فعالان محلی در برابر جریان های ملی و جهانی، از قبیل فعالیت های رسانه ای، انتشار کتاب و مطبوعات، سینما، تلویزیون، اینترنت، برگزاری جشنواره ها، جنبش های سیاسی و اجتماعی و... نشان می دهد جریان محلی به قدر کافی فعالیت و قدرت ندارد که بتواند از هستی هنر، زبان، ادبیات و فرهنگ بومی دفاع کند و به همین دلیل به شدت در حال تغییر و دگرگونی ناخواسته و منفعلانه است. دگرگونی تحمیلی و به عبارت صریح تر، تضعیف و نابودی گویش ها و زبان های بومی مردم لرستان (خرم آبادی، لکی، بختیاری و...) منجر به تهدید بالفعل هنر و ادبیات بومی نیز خواهد به عنوان مثال بدون پویایی زبان و شعر محلی نمی توان انتظار رونق از موسیقی لری نیز داشت، اگر حفظ هویت و تنوع فرهنگی کشور، به عنوان بخشی از سرمایه نرم افزاری ایران در معادلات جهانی مطلوب ماست، تقویت جریان های محلی در رقابت با دو فرایند ملی شدن (فارسی شدن) و جهانی شدن باید در اولویت برنامه ریزی های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی قرار بگیرد.

کلمات کلیدی: لری، لکی، بختیاری، یکسان شدن فرهنگی، متفاوت شدن فرهنگی، جهان محلی شدن، ملی شدن،

فارسی شدن

1. مقدمه

این نوشتار در پی دست یافتن به برداشتی از سرنوشت زبان، ادبیات و فرهنگ بومی لرستان در جهانی است که به شدت در حال تغییر است. تمرکز نگارنده بر مساله زبان خواهد بود که البته با توجه به اهمیت و جایگاه بی مانند زبان در فرهنگ، به دنبال دگرگونی در زبان، ادبیات بومی، موسیقی و سرتاسر فرهنگ نیز دستخوش دگرگونی می شوند.

فرهنگ و هویت مردم لر، رنگین کمان متنوعی از زبان ها، گویش ها، فرهنگ ها، سرزمین ها و مردم است که در چندین استان غرب و جنوب کشور ایران و پاره ای از نقاط دیگر جهان، به ویژه کشور عراق به سر می برند. هویت فرهنگی و زبانی این مردم با نام های متعددی چون بختیاری، لکی، خرم ابادی، ثلاثی، مینجایی، ممسنی، بویراحمدی، فیلی و... شناخته می شود. بخش ناچیزی از ادبیات بومی کهن این منطقه، مخصوصا آنچه به زبان لکی است شکل مکتوب نیز دارد اما بخش عمده آن به صورت شفاهی است و همین باعث آسیب پذیر شدن این زبان و ادبیات در دگرگونی های فرهنگی روزگار معاصر شده است.

روش تحقیق در این مقاله بیشتر کتابخانه ای و میدانی بوده است، داده های میدانی بیشتر حاصل تجربیات شخصی نگارنده به عنوان یک فعال ادبیات بومی، حاضر در جشنواره ها، محافل ادبی بومی و مطبوعات و رسانه های محلی است.

در بخش نظری، پس از ارائه تعاریفی اجمالی از جهانی شدن، و سپس جبهه بندی نظریات عمده علوم اجتماعی در این حوزه، بر مفهوم "جهان محلی شدن" درنگ خواهیم کرد و با تمرکز بر نظریه رولن رابرتسون درباره دیالکتیک امر محلی و جهانی، می کوشم جایگاه زبان و ادبیات محلی مردم لر را در این شرایط جهانی - با توجه به تجارب میدانی - تبیین کنم. سخن واپسین این نوشتار، ارائه پیشنهادهایی برای پویاسازی بیش از پیش زبان و ادبیات بومی خواهد بود.

2. نظریه های جهانی شدن فرهنگی

با فرا رفتن از تعاریف و برداشت های کلیشه ای از پدیده "جهانی شدن" که غالبا آن را منحصر به گسترش فرهنگ غربی و گرایش فرهنگ ها به یکسان شدن می دانند، "جهانی شدن فرهنگی" دگرگونی پیچیده و چند سویه در سطح جهان است که ناشی از رهایی فرهنگ از قید مکان به واسطه انقلاب اطلاعاتی و ارتباطات دو جهان مجازی و واقعی می باشد.

تد سی. لولن با اشاره به اینکه بیشتر تعاریف جهانی شدن گرایش اقتصادی دارند و کمتر جنبه های دیگر را در نظر گرفته اند کوشیده است تعریف انسان شناختی کامل تری از این اصطلاح تهیه کند (لولن 2002):

«جریان فزاینده تجارت، دارایی، فرهنگ، باور و مردم است که به وسیله تکنولوژی

ارتباطات و مسافرت و به واسطه گسترش جهانی سرمایه داری نئولیبرال پدید آمده و

جرح و تعدیل های محلی و منطقه ای و مقاومت هایی در برابر این جریان وجود دارد

(لولن 2002:8)

از این تعریف بر می آید که گرچه گسترش سرمایه داری نئولیبرال، غربی شدن و آمریکایی شدن بی شک

در راه افتادن موج جهانی شدن موثر بوده، نمی توان تمام جهانی شدن را منحصر به همین فرایند دانست و آن را

یک سویه و از غرب به شرق تلقی نمود، بلکه فرایندی بسیار پیچیده تر و چند سویه تر خواهد بود.

جهانی شدن با فشرده سازی جهان و متصل کردن مردمان از سرزمین های مختلف و متفاوت با همدیگر، منجر به تماس و تلاقی بیش از پیش فرهنگ های مختلف در دو جهان مجازی و فیزیکی می شود، تأکید بر وجود دو جهان مجازی و فیزیکی از جمله نکاتی است که به ما در فهم پیچیدگی و چند سویگی جهانی شدن کمک بسیار خواهد کرد، چنانکه برخی سخن از "دوج جهانی شدن ها" به میان آورده اند تا همین نکته را برجسته کنند (نک: عاملی، 1382).

در هر حال فرهنگ های مناطق مختلف در دو جهان واقعی و مجازی در تماس روزافزونی با هم قرار گرفته اند، اینکه این تماس و تلاقی چه تاثیری بر فرهنگ ها می گذارد و چه تصویری از آینده فرهنگی انسان می توان متصور شد مورد بحث است، از یک منظر دیدگاه های عمده را در سه جبهه کلی دسته بندی کرده اند: کسانی که معتقد به همگن شدن و همگرایی فرهنگ ها هستند، گروهی که گمان می کنند جهانی شدن اتفاقا موجب دور شدن و متفاوت شدن فرهنگ ها و تمدن ها می شود و در نهایت دسته ای هم اعتقاد به تلفیق فرهنگ ها دارند (آزاد ارمکی 1386، ریتزر 2010)

جورج ریتزر در مباحثش در باب جهانی شدن بسیار از دو واژه جریان (flow) و سد (barrier) بهره برده است، در «متفاوت شدن» عقیده بر این است که جهانی شدن باعث تقویت سدها مرز ها شده است، معتقدان به همسانی و همگرایی بر قدرت و قوت جریان ها تأکید دارند که هیچ سدی را بر نمی تابند و در نهایت همه فرهنگ های بشر را همسان و هم رنگ خواهند کرد، اما معتقدان به تلفیق فرهنگ ها می گویند این درست است که جریان های بسیار قدرتمند فرهنگی جهانی سدها را در می نوردند اما از یک سوی سد ها و جریانات محلی هم تقویت می شوند و فرهنگ آینده جهان را باید آمیزش فرهنگ های محلی و جهانی دانست که نه یک محصول یکدست و همسان است و نه همان فرهنگ های محلی سابق بلکه فرهنگ های محلی جدیدی است که همه جا زیر نفوذ و حضور فرهنگ جهانی قرار دارد (ریتزر، 2010).

آنچه صاحب نظران و نویسندگان مختلف عنوان کرده اند، مخصوصا با تکیه بر ادبیات و واژگان مورد استفاده ریتزر (2010) در جدول زیر خلاصه و دسته بندی شده است:

دیدگاه	وضعیت سدها	وضعیت جریان ها	مفاهیم برجسته
همگرایی فرهنگی	ضعیف	قدرتمند	مکدونالدی شدن / امپریالیسم فرهنگی
متفاوت شدن فرهنگی	قدرتمند	ضعیف	برخورد تمدن ها / جهاد علیه مکورلد
تلفیق فرهنگی	هم سد و هم جریان با درجات ضعف و قدرت مختلف	"فعال" هستند	جهان محلی شدن / چند جهانی شدن

گذشته از سه جبهه اصلی نظری، در دو دهه اخیر شاهد ظهور مفاهیم بسیار زیادی بوده ایم که به نوعی هر یک از آنها را می توان در ذیل یکی از سه جبهه اصلی ملاحظه کرد.

از جمله مفاهیم پرکاربرد معتقدان نظریه همگرا شدن "مکدونالدی شدن" می باشد که بر آن است اصول مصرف غذای آماده در بخش های بیشتری از جامعه آمریکا و بقیه جهان مسلط می شود و این همان عقلانی کردن کردارها و رفتارهایی که قبلا خانگی یا غیر رسمی شمرده می شدند (گل محمدی، 1381:112)

طرفداران نظریه امپریالیسم فرهنگی نیز چنین نگرشی به جهانی شدن دارند و البته آن را روندی منفی و امپریالیستی، یکسویه از "غرب به شرق" و "گسترش سرمایه داری" می دانند (وایز، 2008:35).

اما برخی صاحب نظران اگرچه قبول دارند جهانی شدن عبارت از گسترش فرهنگ غرب در مقیاس جهانی است با اینحال معتقدند در برابر این جریان مقاومت های قدرتمندی نیز وجود دارد و باید برای این جریان مقاومت نیز شناسی قابل بود، چنانکه از عنوان کتابی از بنیامین باربر بر می آید (Jihad vs. Macworld) وی معتقد است در برابر جریان مکدونالدی شدن جهان، باید از جریان "جهاد" نیز سخن گفت، به طور خلاصه باربر از جریان گسترش سرمایه داری و الگوی غربی زندگی از یک سو و مقاومت در برابر این جریان از جانب دیگر سخن می گوید (وایز، 2008: 35-36).

بهابا از اصطلاح "فضای سوم" بهره می برد تا از نظریه های قایل به یکسویه و یا دو سویه بودن جهانی شدن فراتر رود وی بر آن است که نشانه گوناگون فرهنگی می توانند در چارچوب یک فضای متفاوت از فضای سنتی و آنچه می تواند فضای غربی شده معرفی شود با یکدیگر ترکیب شوند (گل محمدی، 1381:137)، هولتن برای این منظور از اصطلاح سنکریتیژیژیشن (Syncretization) سخن می گوید و آن را امکان جمع آوری عناصر مختلف فرهنگی بسترزدایی شده و معلق در فضای فرهنگ جهان و بازسازی آنها در قالب فرهنگی جدید تعریف می کند (گل محمدی، 1381:140).

پیتر برگر و ساموئل هانتینگتون در ویرایش کتابی که هدف آن نمایش پیچیدگی و چند سوییگی جهانی شدن است آن را جهانی شدن های بسیار (many globalizations) نامیده اند که با عنوان "چند جهانی شدن" به فارسی ترجمه شده است. مقالات این کتاب نشان می دهد جهانی شدن در هر سرزمین و برای هر گروهی از مردم جهان معنا و جهاتی بسیار متفاوت و مختلف یافته است (برگر و هانتینگتون 1384).

گرچه گسترش سرمایه داری نئولیبرال، غربی شدن و آمریکایی شدن بی شک در راه افتادن موج جهانی شدن موثر بوده است اما نمی توان تمام جریان را به آمریکایی شدن جهان محدود کرد، جهانی شدن برای مردم ایرین جایا در قالب اندونزیایی شدن، برای مردم سریلانکا در قالب هندی شدن، برای مردم کامبوج در قالب ویتنامی شدن و برای مردم ارمنستان یا جمهوری های بالتیک در قالب روسی شدن خودنمایی می کند نه آمریکایی شدن (آپادورای 2010:383)، عنوان مقاله ای از کوچی یوآبوچی هشدار می دهد «ژاپنی شدن را جدی بگیرید» (یوآبوچی 2010:410).

بررسی خدایی و نصرتی نشان می دهد به همین ترتیب می توان از کردی شدن و فارسی شدن موسیقی مناسک عروسی در لرستان نیز سخن گفت و آن را بخشی از دگرگونی های مربوط به جهانی شدن تحلیل کرد. در حقیقت آنچه در اینجا برجستگی دارد همان دگرگونی فرهنگی در سراسر جهان تحت تاثیر افزایش تماس فرهنگ

های مختلف در دو جهان مجازی و حقیقی است که به واسطه انقلاب اطلاعات و تکنولوژی ارتباطات رخ داده است (نک: خدایی و نصرتی، 1391).

اغلب صاحب نظران جهانی شدن فرهنگی، می پذیرند که جهان در حال یکپارچه شدن است، هم مسایل و مشکلات جهانی (مثل گرم شدن کره زمین) پدیدار شده اند و هم مسایل و مشکلات یک محل پیامدهایی برای محل های دوردست یافته اند (کشف یک معدن یا رخ دادن یک حادثه طبیعی در ینگه دنیا پیامدهایی فوری برای زندگی روزانه مردمی در سمت دیگر جهان دارد) اما این یکپارچه شدن به معنی یکسان شدن نیست، بلکه جهان در راستای گوناگونی و ناهمگون سازی فرهنگ ها پیش می رود.

رابرتسون برای توضیح این شرایط جدید از اصطلاح دیالکتیک عام (جهانی) و خاص (محلی) سخن می گوید که در دو گزاره خلاصه می شود؛ عام شدن امر خاص و خاص شدن امر عام. (نک: گل محمدی 143-146). در مورد گزاره نخست جمله درخشان رابرتسون این است که اساسا در عصر جهانی جدید "خاص بودن یک ارزش جهانی می شود" (نک: گل محمدی، 1381: 143-146). در طول تاریخ بشر به ندرت شاهد آن هستیم که مثلا یک نوع لباس به این خاطر پوشیده شود که "لباس خاص" فلان منطقه است. اگر لباس خاصی پوشیده می شد به خاطر مزیت های آن (در فرایند تولید، توزیع و مصرف) نسبت به لباس های جور دیگر بود. اما در عصر جهانی یک نوع لباس ممکن است نه از نظر تولید، نه از نظر توزیع و نه از نظر مصرف هیچ مزیت، ارزانی و مقبولیتی نسبت به انواع دیگر نداشته باشد اما فقط چون "محلی" و "خاص" است مورد استقبال و تقدیر قرار گیرد.

به تعبیر رابرتسون "خاص" ها "عام" می شوند، یعنی غذای ژاپنی در ایران طرفدار پیدا می کند، و در کنار مزه و کیفیت و قیمت آن، ژاپنی بودنش هم یکی از برجسته ترین مزایای آن است و باعث استقبال از آن می شود، به عبارت صریح تر همان غذا با همان کیفیت اگر برجسته ژاپنی بودن (یا بیگانه و متفاوت بودن) را نداشته باشد بخشی از مشتریان خود را از دست می دهد.

نیمه دیگر سخن رابرتسون اینست که "عام" ها، "خاص" می شوند. غذای ژاپنی در تهران همان معنی و مصرف را که در توکیو دارد نخواهد داشت، اصول و جریان های جهانی در هر محلی خاصیت آن محل را می گیرند تا با استقبال مواجه شوند، مثلا در طبخ آن از گوشت حلال استفاده می شود، در توکیو یک وعده غذایی معمولی به شمار می رود اما در تهران ممکن است یک غذای خاص ویژه پذیرایی از یک دوست خیلی عزیز به شمار رود (نک: گل محمدی، 1381: 143-146).

یک لباس محلی که برای اهالی یک روستا، جز یک شیء روزمره و ابزار زندگی نیست برای یک توریست ممکن است به عنوان یک سوغات و یادگاری سفر کارکرد متفاوتی داشته باشد، لباسی که در داخل روستا برای محافظت کودک از سرما یا اشعه خورشید استفاده می شود، برای کس دیگری ممکن است قاب شود یا بر تن مجسمه ای پوشیده شود تا سال های سال در خانه، موزه یا دفتر کار همچون شیء زینتی و نمادین کارکردی متفاوت داشته باشد.

به طور خلاصه به نظر رابرتسون خاص شدن عام و عام شدن خاص، جهانی شدن محلی و محلی شدن جهانی دو فرایند دخیل در ایجاد تنوع فرهنگی هستند و از یکسان شدن و همسان شدن فرهنگ ها و محل ها جلوگیری می کنند.

3. تکاپوی ادبیات بومی لرستان در عصر جهانی شدن

من در این نوشتار با تکیه بر آراء رولن رابرتسون به این مساله پرداخته ام که با جهانی شدن، نگرش به "امر محلی" به طور کلی و زبان محلی به طور خاص دگرگون خواهد شد. این تغییر نگرش هم اکنون نیز در حال وقوع است، جهانی شدن موجب یکپارچه شدن جهان و افزایش تماس فرهنگ ها می شود، این تماس روزافزون جامعه بشری را به سمت افزایش تنوع فرهنگی می برد تا جایی که تنوع و محلی بودن، یک ارزش جهانی می شود. در عصر جهانی، "محلی بودن" تبدیل به دکانی می شود که مشتری پیدا می کند. موسیقی محلی، غذای محلی، لباس محلی و... همگی به خاطر "محلی بودن" مورد استقبال قرار می گیرند. واضح است که خصلت و فضیلت "محلی بودن" به تنهایی نمی تواند برای این پدیده های فرهنگی بازاری ایجاد کند و آنها را رونق دهد و انگیزه ای شود برای تولید و بازتولید این پدیده ها، اما یک فاکتور مهم به شمار می رود.

همانطور که جاذبه طبیعت لرستان پتانسیل بی نظیری برای صنعت پر درآمد گردشگری به شمار می رود (و البته مزایای بی شمار دیگری هم دارد) موسیقی لری، لباس لری، آیین های لری و به طور کلی بومی بودن لرستان هم می تواند پتانسیل بی نظیری برای همان صنعت گردشگری (در کنار مزایای دیگری) به شمار رود. مناطق لرنشین به طور کلی و استان لرستان به طور خاص دارای رنگین کمان متنوعی از زبان ها و فرهنگ هاست. از نظر زبانی در لرستان با زبان های مختلف لکی، بختیاری، مینجایی (خرم ابادی) و... تکلم می شود و به دنبال این تنوع زبانی، در عرصه ادبیات بومی، موسیقی محلی، سینما و... نیز تنوع قابل توجهی وجود دارد. رونق و پویایی زبان های بومی، در نهایت منجر به تقویت جریان فرهنگی محلی در رقابت با جریان ملی و جهانی خواهد شد. در حال حاضر دلسوزان زبان های لری بیش از هرچیز نگران زوال آن در فرایند فارسی شدن و فارسی آموزی در محیط های خانوادگی و مدرسه و... هستند، این دغدغه ایشان را به انجام فعالیت هایی چند سوق داده است تا در مقابل انفعال بیش از حد زبان های لری به پویایی و رونق آن که از نظر ایشان به پویایی و رونق فرهنگ و ادبیات و هنر بومی منجر خواهد شد کمک کنند. مهمترین این اقدامات را می توان چنین فهرست کرد:

الف) کتاب: از قرن ها قبل منابع تاریخی اشارات ناچیزی درباره زبان مردم لر کوچک و بزرگ داشته اند و آثار مکتوبی نیز وجود دارد که مخصوصا در حوزه زبان لکی قابل توجه است، در سال های اولیه نوسازی ایران نیز توجهاتی به زبان های بومی شد، اما مهمترین اقدامات در زمینه تدوین کتاب سازی در حوزه ادبیات بومی لرستان به تلاش های نویسندگانی چون غضنفری امرایی، حمید ایزدپناه و عبدالعلی خسروی از دهه پنجاه باز می گردد که البته تا بیست سال بعد (دهه هفتاد شمسی) مجال نشر نیافتند، این کتاب ها بیشتر شامل فرهنگ های لغت، تدوین آثار برجسته تاریخ ادبیات منطقه و... بوده است.

در سال های اخیر نیز این روند هرچند از نظر کمیت قابل توجه بوده اما نه برای شناخت و معرفی زبان مردم لر و نه پویایی و بالندگی ادبیات بومی کیفیت لازم را نداشته است. بیشتر آثاری که در این سال ها مرتبط به حوزه زبان و ادبیات لرستان منتشر می شود از این ناحیه که نگاه محدودی از نظر جغرافیایی و زمانی به موضوع خود دارند قابل نقد هستند. این کتاب ها بیشتر محدود به یک گویش و یا گویش یک منطقه محدود (یک طایفه یا شهر) هستند و عنایتی به جغرافیای وسیع تر زبان ها و ادبیات مردم لر ندارند، از طرف دیگر در برخورد با مساله زمان نیز خنثی هستند، این آثار نه به تاریخ این زبان ها و ادبیات توجه کافی دارند و نه برای آینده آن برنامه روشنی ارائه می دهند.

اریک جان آنونبی معتقد است تحقیقات منتشر شده در زمینه زبان های لری اغلب در مرحله توصیف مانده اند (جان آنونبی 2003) البته باید در نظر داشت کتاب هایی که در حال حاضر درباره لری وجود دارد در همان مرحله توصیف نیز نتوانسته اند حق مطلب را ادا کنند.

در سال های اخیر جنبش هایی نیز برای انتشار مجموعه شعر های بومی صورت گرفته است که بعضا بومی سرایان موفق نیز به جامعه معرفی کرده است، اما جای انواع ادبی دیگر، همچون داستان، نمایش نامه و... کماکان خالی است.

ب) جشنواره ها و محافل ادبی: در سال های اخیر چندین جشنواره در حوزه ادبیات بومی مردم لر فعالیت داشته اند، این محافل ادبی توانسته اند جمع های محدودی از تولید کنندگان و مصرف کنندگان ادبیات بومی را گرد هم آورد و فرصت مناسبی برای خروج بومی سرایان از انزوا ایجاد کند.

غیر از کیفیت و کمیت این فعالیت ها آنچه قابل ذکر است اینست که جشنواره های مستمر و منظم اولاً بیشتر در منطقه بختیاری زبان فعالند (شاهد جشنواره های لکی در لرستان، لری جنوبی در کهگیلویه و بویراحمد، ممسنی، بهبهان و... نیز بوده ایم اما به صورت اتفاقاتی نادر و بدون تقویم سالانه یا دوسالانه)، ثانیاً منحصر به حوزه شعر هستند و حوزه های دیگر ادبی همچون داستان، نمایشنامه و... جایگاهی ندارند، ثالثاً بر روند برگزاری، اطلاع رسانی، داوری جشنواره ها و شیوه ارتباط آن ها با سطح جامعه انتقادات فراوانی وارد است.

د) فعالیت های دانشگاهی: مراکز دانشگاهی نیز در قالب تالیف کتاب، برگزاری سمینار و مخصوصاً خلق پایان نامه های دانشگاهی اقداماتی در حوزه ادبیات بومی داشته اند، با این حال دانشگاه ها به عنوان مهمترین متولیان دانش و پژوهش به هیچ عنوان آن گونه که باید به مساله فرهنگ بومی منطقه نپرداخته اند. در هیچ دانشگاهی به طور رسمی و جدی با این مساله برخورد نشده است، هیچ کرسی یا رشته و حتی انجمن دانشگاهی مرتبط با ادبیات بومی مردم لر وجود ندارد. مهمترین محفل موجود در این زمینه دبیرخانه دائمی همایش کله باد در جهاد دانشگاهی دانشگاه لرستان است که تا کنون فقط یک بار همایش خود را برگزار کرده است هرچند در همایش نخست (1389) وعده برگزاری آن به صورت منظم سالانه یا دوسالانه شنیده می شد.

ه) رادیو و تلویزیون: با توجه به فقدان تجربه کافی در کتابت، و شفاهی بودن بخش اعظم سرمایه های زبانی مردم لر، فعالیت ها در عرصه صدا و سیما می تواند آسان ترین و در عین حال مؤثرترین تلاش برای پویایی ادبیات بومی باشد. با وجود تاسیس دهها رادیو و شبکه تلویزیونی در مناطق لرنشین طی سال های اخیر هنوز هم از منظر زبان و فرهنگ بومی مطالبات بسیار زیادی در این مناطق وجود دارد.

بیشتر تلویزیون ها و رادیو های محلی مناطق لرنشین از نظر میزان توجه به فرهنگ و زبان بومی منطقه تفاوت چندانی با رسانه های ملی پایتخت ندارند. زبان اصلی و رسمی تمام این شبکه ها فارسی است، زبان های محلی نه فقط از نظر کمیت درصد بسیار ناچیزی از ساعات پخش این رسانه ها را در اختیار دارند بلکه در همان فرصت ناچیز نیز از نظر کیفیت و شیوه برخورد با زبان بومی انتقادات بیشماری وارد است.

استفاده بیش از حد طنزآلود از زبان های بومی، نزدیک سازی بیش از پیش آن به زبان رسمی فارسی، عدم رعایت ساختار های زبان محلی و واژگان اصیل و مخصوصاً عدم رعایت اصل عدالت در برخورد با زبان ها و گویش های مختلف از جمله انتقاداتی است که در سال های اخیر از سوی فعالان فرهنگ بومی لرستان عنوان شده است. به طور خاص، شبکه تلویزیونی افلاک از این منظر که به زبان بخش عمده میراث فرهنگی لرستان (زبان لکی) بی توجه است و هم از این منظر که زبان بومی را منحصر به نسخه فارسی شده ی گویش خرم ابادی تقلیل می دهد مورد انتقاد است.

و) مطبوعات: نسبت به دیگر رسانه ها، مطبوعات محلی کارنامه بهتری در برخورد با فرهنگ بومی داشته اند، معرفی ادبیات و فرهنگ بومی بخش ثابت اغلب نشریات محلی است. حتی در استفاده از زبان های بومی، در حالی که چنانکه گفته شد رادیو و تلویزیون سهم ناچیزی به زبان بومی اختصاص داده، مطبوعات محلی، با وجود محدودیت در کتابت لری، معمولاً ستون یا کادری به اشعار، ضرب المثل ها و حتی داستانک های محلی اختصاص می دهند.

ه) رسانه های نو: اینترنت، تلفن همراه، ماهواره و... از جمله رسانه های نوظهور هستند که بعضاً در خدمت جریان فرهنگ محلی قرار گرفته اند. در این میان اینترنت تبدیل به مهمترین رسانه فعالانه ادبیات و فرهنگ بومی شده است. در حالی که صدا و سیما و مراکز دانشگاهی عنایت کافی به فرهنگ بومی ندارند، کتاب نویس ها و مطبوعات نیز محدودیت های مالی زیادی برای پویاسازی ادبیات بومی دارند، وبلاگ ها و وب سایت های اینترنتی محیط ارزان و در دسترس برای عرضه زبان و ادبیات بومی به شمار می رود، باید در نظر داشت مخاطبان این رسانه محدود هستند و شامل طیف های خاصی از جوانان و اقشار دیگر می شود، کماکان مشکلات کتابت و رسم الخط نیز وجود دارد.

استفاده از تلفن همراه در قالب ارسال پیامک به زبان بومی نیز به صورت محدود رایج است، هرچند این رسانه سهم بیشتری در تخریب و تضعیف هویت و فرهنگ بومی، در قالب انتشار جوک های قومیتی، داشته است.

با وجود فعالیت های فوق به نظر می رسد این جنبش محلی بدون اینکه ابعاد وسیع تری به خود بگیرد نخواهد توانست زبان و فرهنگ لری را در برابر دگرگونی های سراسیمه جهانی به بالندگی برساند، به منظور کمال یافتن این فعالیت ها، دو پیشنهاد زیر قابل ارائه هستند:

الف) آموزش رسمی دانشگاهی و مدرسه ای: تا زمانی که مرکز دانشگاهی، دبیرستانی و دبستانی به مساله فرهنگ و ادبیات بومی وارد نشوند، جریان محلی در مقابل جریان های ملی و جهانی تقویت نخواهد شد. وجود عنوان های درسی در دبستان و دبیرستان برای آشناسازی دانش آموزان با زبان و ادبیات بومی و ایجاد کرسی ها و رشته های دانشگاهی برای انجام تحقیقات اساسی و فراگیر در این زمینه ضروری به نظر می رسد.

ب) بهبود رویکرد رسانه های همگانی: تعریف صدا و سیما محلی باید اصلاح گردد تا مشخص شود منظور از پسوند محلی تنها بعد جغرافیایی نیست، تفاوت صدا و سیما مرکز لرستان یا خوزستان تنها در استقرار این مراکز در خارج از پایتخت نیست بلکه این مراکز از نظر زبانی و فرهنگی نیز خارج از تهران هستند. این رویکرد از یک سوی به باروری ادبیات و فرهنگ بومی می انجامد و از سوی دیگر جذبه و تشخیصی به این مراکز می بخشد، کما اینکه تجربه این شبکه ها نشان داده است پر مخاطب ترین برنامه های آن ها همیشه آن هایی بوده اند که به فرهنگ بومی توجه بیشتری داشته اند.

بدیهی است شبکه های استانی هرگز نمی توانند در ساخت سریال ها، سرگرمی های رادیویی و تلویزیونی، انتشار اخبار و برنامه های اجتماعی و... با شبکه های سراسری و یا بین المللی رقابت کنند، در این شرایط پرداختن به فرهنگ بومی برگ برنده این شبکه ها به شمار می رود.

بدیهی است هر دو پیشنهاد فوق بیشتر ناظر به بخش دولتی هستند، در صورت ورود دولت به این حوزه، تردیدی نخواهد ماند که بخش های غیر دولتی یا نیمه دولتی از قبیل جشنواره ها، کتاب ها، مطبوعات، اینترنت و... نیز بیش از پیش امید، انگیزه و سرمایه کافی برای پویایی فرهنگ، زبان و ادبیات بومی به دست خواهد آورد.

4. نتیجه گیری

علی رغم برخی نظریات رایج، فرایند جهانی شدن به گونه ای تحمیلی و از پیش تعیین شده نمی تواند فرهنگ ها را به سمت یکسان شدن یا متفاوت شدن متمایل کند، بلکه سرنوشت هر زبان، ابدیالت و فرهنگ محلی در تلاقی و ترکیب جریان های جهانی و محلی تعیین می شود. هر جا جریان محلی ضعیف یا ناچیز باشد تولید فرهنگی بومی نیز به اضمحلال می رود و هویت و تشخص ادبیات و فرهنگ بومی تهدید می شود اما هر جا جریان محلی بتواند فعال شود خواهد توانست بر جریان جهانی تاثیر بگذارد، هویت و تشخص خود را حفظ کند و به پویایی و بالندگی برسد. همین دارا بودن هویت، تشخص و تفاوت، در عصر جهانی شدن خود می تواند یک ارزش به حساب بیاید.

زبان های بومی لرستان در حال حاضر بیشتر تحت تاثیر مستقیم ملی شدن (فارسی شدن) و غیر مستقیم جهانی شدن هستند، تا جایی که به نظر می رسد این زبان ها روز به روز تشخص و تفاوت خود از زبان فارسی را از دست می دهند که منجر به از دست رفتن هویت موسیقی، هنر و ادبیات بومی نیز خواهد شد.

اگر بپذیریم در عصر جهانی، "محلی بودن" تبدیل به دکانی می شود که مشتری پیدا می کند، موسیقی محلی، غذای محلی، لباس محلی و... همگی به خاطر "محلی بودن" مورد استقبال قرار می گیرند، و سرمایه ارزشمندی برای توسعه اقتصادی، فرهنگی، گردشگری و... محسوب می شوند، باید بدانیم در حال حاضر جریان محلی موجود در لرستان توان ایفای نقش در برابر جریان های ملی شدن و جهانی شدن را ندارد، مطبوعات، جشنواره ها، کتب ها، برنامه رادیویی و تلویزیونی و... که واکنش های هواداران فرهنگ بومی، در رقابت با جریان تغییر جهانی فرهنگ هستند در مناطق لرنشین موفقیت های چشمگیری نداشته اند.

این بررسی نشان می دهد برای حفظ زبان و ادبیات بومی، لازم است جایگاه ویژه ای در اولویت های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفته شود تا در برابر تقویت و گسترش یکسویه ملی شدن و جهانی شدن، جریان محلی نیز بتواند به حفظ و پویایی فرهنگ بومی امیدوار بماند، مهمترین پیشنهاد این مقاله پرداختن بخش دولتی به آموزش رسمی زبان ها و ادبیات بومی در مدارس و دانشگاه ها و اصلاح رویکرد صدا و سیما در برخورد با زبان و فرهنگ بومی است.

منابع:

- آزاد ارمکی، تقی (1386). فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن. تهران: تمدن ایرانی
- برگر، پیتر و ساموئل هانتینگتون (1384). چند جهانی شدن. ترجمه علی کمالی، لادن کیانمهر. تهران: روزنه
- تاملینسون، جان (1388). جهانی شدن و بررسی فرهنگی. در: نظریه های جهانی شدن، دیوید هلد و آنتونی مک گرو، تر: مسعود کرباسیان. تهران: چشمه، چاپ اول
- خدایی، ابراهیم و محمود نصرتی (1391). پیچیدگی و چند سویگی جریان فرهنگ در عصر جهانی شدن (مطالعه موردی موسیقی مراسم عروسی در لرستان). در: مجله انسان شناسی، شماره 16
- رابرتسون، رولند (1380). جهانی شدن: تئوری های اجتماع و فرهنگ جهانی. ترجمه کمال پولادی. تهران: نشر ثالث
- عاملی، سعید رضا (1382). دوج جهانی شدن ها و جامعه جهانی اضطراب. در: نامه علوم اجتماعی، ش 21
- فکوهی، ناصر (1381). شکل گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه موردی لرستان). در: فصلنامه جامعه شناسی ایران، دوره 4، شماره 4
- گل محمدی، احمد (1381). جهانی شدن؛ فرهنگ، هویت. تهران: نی
- Appadurai, Arjun (2010). *Disjuncture and Difference in the Global Cultural Economy*. IN: Thussu, Daya Kishan. Ed. International Communication; a Reader. London: Routledge
- Iwabacchi, Koichi (2010). *Taking "Japanization" Seriously: Cultural Globalization Reconsidered*. IN: Thussu, Daya Kishan. Ed. International Communication; a Reader. London: Routledge
- John Anonby, Erik (2003). *Luri; How Many Languages*. Journal of the Royal Asiatic Society
- Lewellen, Ted.C. (2002). *the Anthropology of Globalization; Cultural Anthropology Enters the 21st Century*. London: Bergin & Garvey
- Ritzer, George (2010). *Globalization; a Basic Text*. Wiley-Blackwell
- Wise, J.Macgregor (2008). *Cultural Globalization; a User's Guide*. Oxford: Blackwell